

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد
۳۰ اگست ۲۰۱۵

جنگ بی پایان سرمایه

پانزده سال ابتدائی قرن بیست و یک، آغاز تنش و آغاز راه اندازی جنگ های ارتجاعی گسترده، علیه بشریت و زیر ساخت های جوامع متفاوت از جانب سرمایه داران بین المللی بوده است. جنگ هایی که عواقب و ثمره بس وخیمی را برای میلیون ها انسان دردمند به بار آورده است. محروم ترین و بی دفاع ترین اقشار جامعه را، به کام مرگ کشانده اند، میلیون ها کودک را آواره و میلیون ها خانه را با خاک یکسان نموده اند تا مناسبات گنبدیده حاکم بر جامعه پا بر بماند. به جرأت می توان گفت که فوائد و مزایای این دست جنگ ها، برای سرمایه داران بین المللی، فراوان و چند گانه است. نمایش و تحمیل قدرت به رقباء، لگدمال نمودن پایه های کارگران و زحمت کشان، غارت اموال عمومی، تخطئه جنبش های اعتراضی رادیکال، فروش تسلیحات مدرن و ... را می توان از مجموعه دلالتی بر شمرد، که این روزها، بر جهان تحت سیطره سرمایه سایه انداخته است.

بر مبنای چنین منفعت و به تبع از آن و همچنین از ظواهر - و در حقیقت از باطن - امر پیداست که تصویری بر پایان آن نیست. قدرت مداران بین المللی با خود عهد بسته اند که هیچ گونه محدودیت جغرافیایی در شعله ور نمودن جنگ های مخرب و ویران کننده نخواهند داشت. در دوران بحران و رکود اقتصادی، در دوران ناتوانی تهیه مایحتاج اولیه زندگی از جانب محرومان و در دوران خروج از بحران سرمایه، نیاز به چرخش و سودآوری بیشتر، نیاز به تولید فزونتر سلاح و همچنین نیاز به تولید و بازتولید دشمنان فرضی به منظور پیشبرد بهتر سیاست های امپریالیستی در سطح بین المللی ست.

گفته اند که "توافق" و "همکاری" با دولت های "هار و شرور"، از دامنه تنش منطقه خواهد کاست و زمینه های "صلح و امنیت" انسانی را فراهم خواهد نمود؛ گفته اند که سیمای سیاسی در هم پاشیده جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه تغییر و جامعه، به مسیر سازندگی باز گردانده خواهد شد!! اما و در عمل، توافقات امپریالیستی از نوع وین. پیام آور تعرض گسترده تر به مال کارگران و زحمت کشان، اموال عمومی جامعه و همچنین خرید فزونتر تسلیحات نظامی - و آنهم - به منظور تشدید جنگ، خون و خونریزی محرومان است. البته این دست وعده وعیدها، سیاست ها و عملکردها را می بایست به حساب دروغگوئی های سرمایه داران بین المللی و دست بوسان شان و همچنین به ردالت دولت "تغییر" اوپاما گذاشت؛ دولتی که بنایش، بر فروش تسلیحات نظامی به کشورهای زیردست، پای ریخته شده است، دولت "تغییر"ی که، بنابه گزارشات منتشره، "طی ۵ ساله اول زمامداری اش، با فروش ۱۶۹ میلیارد دلار سلاح، یعنی ۳۰ میلیارد دلار بیشتر، از کل دوره جرج بوش، رکوردار میزان فروش سلاح توسط دولت، از پایان جنگ جهانی دوم می باشد".

دهه هاست که جنگ و مسابقه تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه به راه افتاده است و هر یک از دولت های بزرگ، در حال پیشی گرفتن از یکدیگرند که در این میان، امریکا با ۳۱ درصد سهم و روسیه با ۲۷ درصد، مقام اول و دوم را از آن خود نموده اند. به زعم حاکمان، همه این داد و ستدهای نظامی، در خدمت به برقراری صلح و امنیت و در خدمت به آسایش زندگی مردم است!! برآستی که مرزی برای ریاکاری سرمایه داران وجود ندارد و زیاده خواهی ها و دروغگوئی های شان، قابل توضیح و اندازه گیری نیست. پُر واضح است که همه تلاش قدرت مداران بین المللی، رفع نگرانی های دولت های وابسته ای همچون عربستان، قطر، بحرین، امارت متحده عربی و غیره و به تبع آن، سرکوب گسترده تر اعتراضات مردمی بعد از "توافق وین" می باشد. به طور مثال و بعد از "توافق وین"، دولت امریکا ۶۰۰ فروند موشک های رهگیر پاتریوت «پی ای سی - ۳» به ارزش ۵.۴ میلیارد دلار به عربستان سعودی فروخته است و همچنین این کشور در صدد انعقاد قرارداد ۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلاری برای خرید ۱۰ واحد هلیکوپتر سیکورسکی، رادار و لوازم یدکی مربوط به آن و همچنین در قرارداد دیگری به مبلغ ۱ میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار برای خرید ۲۰۲ موشک لاک هید و تجهیزات مربوط به آن می باشد. در ادامه و اخیراً، قطر هم در ازای ۲۴ فروند جنگنده رافائل، قراردادی به ارزش ۷ میلیارد دلار با فرانسه منعقد نموده است. قرار است این سلاح ها در مخالفت با یکه تازی های دولت های "شور" و دیکتاتورها مورد استفاده قرار گیرد؛ قرار است در جهت امنیت بیشتر کودکان و آنهم به منظور فراگیری علم و دانش بهتر باشد و بالاخره قرار است، دستان دراز فاسدان را کوتاه نماید!! اما و در عوض این دست سلاح ها، هدفمندی و کارکردهای دیگری خواهند داشت و به بهانه برکناری دولت های "خودسر" و دیکتاتورها، دولت ها و دیکتاتورهای دیگری را بر جامعه و به مردم تحمیل می کنند، مدارس و بیمارستان ها را بمباران و زنان را به بندگی و اسارت هر چه بیشتر می کشانند. در حقیقت اینها گوشه هائی هر چند کوچک و جزئی، از سیمای سیاسی دنیائی ست که در مقابل آزادیخواهان و مدافعان میلیون ها کارگر و زحمتکش قرار گرفته است.

آری، قدرت مداران بین المللی، چهره جهان را اینگونه ترسیم نموده اند و خلاف ادعاهای شان، هدف، ناامنی جوامع سرشار از منابع غنی ست؛ هدف، کوتاه کردن دستان جناح های رقیب از نعمات و امکانات جوامع زیردست است؛ هدف، پاسخگوئی به بحران دائم التزاید سرمایه است و هدف، رونق بخشیدن هر چه بیشتر کارخانجات نظامی سرمایه داران بزرگ است و بیهوده نیست که شبکه خیری «بلومبرگ» در گزارش ششم اکتوبر بر "افزایش بی سابقه ارزش سهام لاکهید مارتین بزرگ ترین شرکت تولید سلاح ایالات متحده اشاره می کند و دلیل آن را گسترش فزاینده درگیری ها در سراسر جهان" بر می شمارد.

حقیقتاً که چرخش بی وقفه کارخانجات تسلیحاتی امپریالیست ها، این روزها، به یکی از پُر درآمدترین و سودآورترین صنعت ها تبدیل گردیده است. فروش چند میلیارد دلاری سلاح به عربستان سعودی، قطر، عراق، لیبیا، سوریه و غیره از جانب دولت مردان امریکا، انگلیس، فرانسه و تسلیح نیروها و دسته جات مسلح و ارتجاعی همچون الحوثی، داعش، القاعده، النصر، انصارالله و غیره، چیزی جز رونق بخشیدن به اقتصاد فرتوت امپریالیستی نیست. بر این اساس و در این دوران، قدرت مداران بزرگ بین المللی و به ویژه دولت مردان امریکا، فرضیه و سیاست را بر این پایه بنا نهاده اند، که جنگ بی پایان است و می بایست با تولید و باز تولید عناصر و نیروهای وابسته، دامنه جنگ ها را افزون و افزونتر نمود و سلاح های تازه را، به جان مردم بی دفاع انداخت. بدون کمترین شک و تردیدی، رد پای عملی چنین سیاستی را می توان، در اکثر گوشه جهان به عینه مشاهده نمود. هجوم و لشکرکشی به مناطق محروم و حمایت بیدریغ و تسلیح دسته جات ارتجاعی به سلاح های مدرن و آنهم به منظور پیگیری سیاست بی پایان جنگ، چهره دنیا را زیر و رو نموده است. به نام مبارزه با "تروریسم"، در پی حمله به محروم ترین اقشار جامعه اند؛ به نام دفاع از "آزادی و دموکراسی"، در پی اسارت و بندگی هر چه بیشتر جامعه، کارگران و زحمت کشان اند؛ به بهانه دفاع از زنان، زنجیره

های تحجر و بی حرمتی را سفت تر می کنند، دهه های زیادی ست که عملیات و کُشت و کُشتار ستم دیدگان، فرا منطقه ئی شده است و ساختارهای سیاسی - حکومتی دنیا و به ویژه منطقه خاورمیانه و افریقا هم، شکل و شمایل دیگری به خود گرفته است.

چنانچه روز و روزگاری، بحران سرمایه داری، منجر به جنگ های جهانی گردیده است، این روزها، پاسخگویی و فرار از بحران کنونی، پرهیز از درگیری های مستقیم و رو در رو، و انتقال آن، به میداين و فضای جوامع وابسته و به جان هم انداختن مردم محروم منطقه و آنهم با مستمسک جنگ های قومی - مذهبی است. نیاز آتی قدرت مداران بین المللی، در آن است تا دامنه آشوب و بلبشو را گسترده تر نمایند و در آینده، شکل و شمایل کشورهایی همچون ترکیه، پاکستان، عربستان، ایران و ... را با شکل و شمایل، کشورهای عراق، افغانستان، لیبیا، یمن، سوریه، و غیره منطبق سازند. در حقیقت منطقه خاورمیانه، چشم به راه جنگی گسترده تر، طولانی تر و مخرب تر، از جانب قدرت مداران بین المللی ست و خلاف بعضاً نظرات ارائه شده، نه سیاست "هر که - هر که"، بر این جهان حاکم است، نه امپریالیست ها و به ویژه امپریالیسم امریکا "ندانسته" و با "خام اندیشی"، به عراق و سوریه ورود نموده اند، و نه ثمره جنگ های تاکتونی را، می توان به حساب "شکست" راه اندازان آن نوشت. چرا که انگیزه و اهداف صحنه گردانان و بازیگران آن، من حیث المجموع بدرستی چیده شده است و مسیر سیاسی - اقتصادی سناریو نویسان آن را پی می گیرد.

به آمار و ارقام ناقص، و دست و دُم بُریده بلندگوهای امپریالیستی، مبنی بر ازدیاد سرمایه سرمایه داران و همچنین به تباهی و به نداری افزونتر میلیون ها انسان محروم جهان، نگاهی بیندازیم، تا بهتر به این موضوع پی ببریم که چگونه سیاست کنونی امپریالیست ها، یعنی راه اندازی آشوب و جنگ، به مدد آنان آمد، ثروتمندان، ثروتمندتر، و فقراء فقیرتر شده اند. بنابه گزارشات منتشره "ارزش خالص ثروت ۴۰۰ نفر از ثروتمندترین امریکائی ها در سال ۲۰۱۴ به ۲۲۰ تریلیون دالر رسید، تقریباً ۲ برابر آنچه در سال ۲۰۰۹ بود"، و همچنین "از سال ۲۰۱۰ متوسط درآمد خانوار در ایالات متحده ۵ درصد کاهش یافته است".

بر مبنای چنین حقایق روشن و آشکاری آیا می توان همچنان بر این ایده اصرار ورزید که جنگ های به راه افتاده تاکتونی، در خلاف منفعت سرمایه داران بوده است و سرمایه داران، قادر به عبور از "باتلاق" و سیاست های انتخابی خود نمی باشند؟ افزایش ثروت و سودآوری غیر قابل تصور کارخانجات تسلیحاتی امپریالیست ها و آنهم در مدت زمان کوتاه، بسیار گویاتر از هر گونه اظهار نظری ست و همچنین کتمان در این حقیقت نیست، که جیب ثروتمندان، پُرتر، و کیسه میلیون ها انسان محروم، خالی تر شده است.

فارغ از منفعت اقتصادی، راه اندازی جنگ های ارتجاعی در عرصه سیاسی هم برای دولت مردان بزرگ، سودهای چندگانه داشته است. تنگ تر نمودن فضای سیاسی جامعه و جایگزینی آن، به فضای جنگ های قومی - قبیله ئی و فله ئی، آوارگی میلیونی توده های محروم و تکه و پاره نمودن کشورها تحت عنوان "خاورمیانه بزرگ"، انحراف مسیر اصلی مبارزه توده ئی و غیره را می توان از زمره ثمره های سیاستی دانست که این روزها تجلی آن را داریم، در منطقه خاورمیانه به عینه مشاهده می کنیم. چنین سیاستی از یک سو در انطباق با منفعت اقتصادی امپریالیست هاست و از سوی دیگر، از وقوع و بروز انقلابات حقیقی کارگران و زحمت کشان ممانعت به عمل می آورد. چرا که جانباين بشریت کاملاً بر این امر واقف اند، انقلاب، نیازمند حضور مردمی در جوامع خودی ست؛ می دانند که جامعه بدون حضور گسترده مردمی، جامعه غیر عادی ست و بی دلیل هم نیست، که با ایجاد رعب و وحشت و با کوچاندن مردم و تقسیم کشورها بر شعله های جنگ می افزایند.

بنابراین، جنگ آنان، دنباله گیری سیاست های امپریالیستی، یعنی طولانی تر نمودن جنگ های ارتجاعی در منطقه است؛ سیاستی که ستراتیژی نظامی امپریالیسم امریکا در منطقه خاورمیانه را تشکیل می دهد و بی دلیل هم - نبوده و -

نیست که «مارتین دمپسی» رئیس کمیته مشترک نیروهای مسلح امریکا به پنتاگون دستور داده است که: "برای جنگ طولانی آماده شوید". چرا که چنین جنگ هائی، تضمین کننده منفعت درازمدت تر طبقه سرمایه داری و به ویژه دولت امریکاست، تردیدی در آن نیست، که تنها راه در رو، و یا به بیانی روشن تر، تنها راه رهائی و ختم آن، بازی و حرکت با برنامه و سازمان یافته کمونیستی، در میدانی انتخابی بانیان و مدافعان جنگ های ارتجاعی ست. به تجربه دریافته شده است که جنگ ارتجاعی را تنها با جنگ انقلابی می توان از بین بُرد، همچنین قواعد جنگ مردمی حکم می کند که تضمین و نابودی جنگ های ارتجاعی و امپریالیستی در گرو جنگ های انقلابی ست. متأسفانه و این روزها، جنبش های اعتراضی مردمی، در حسرت برخوردِ مقابله ئی و اثرگذار مدافعان حقیقی خود و آنهم در برابر دولت ها و دسته جات مسلح وابسته به سرمایه های امپریالیستی ست و پُر واضح است، تا زمانی که جامعه و توده های محروم منطقه، فاقد سازمان رزمنده و کمونیستی می باشند، اوضاع منطقه و به ویژه زندگی کارگران و زحمت کشان وخیم تر و بر میزان تخریبی، و همچنین بر کُشت و کُشتار و بی خانمانی ها افزوده تر خواهد گردید.

۲۹ اگست ۲۰۱۵

۶ شهریور [سنبله] ۱۳۹۴